حقوق همسایگان در اسلام

پدید آورنده : سید اقبال حسینی ، صفحه 17

آیین همسایه داری

دین مقدس اسلام برنامه ای جامع و کامل برای سعادت بشر در دنیا و آخرت دارد، از این رو نیازمندی های فردی و اجتماعی، جسمی و روحی او را مدّنظر قرار داده و در مورد همسایه داری نیز رهنمودهای سودمندی بیان کرده است.

خداوند در قرآن کریم در برشماری مجموعه ای از حقوق اسلامی مسلمانان در قبال یکدیگر، نیکی به چند گروه و از جمله همسایگان را به بندگانش سفارش می کند و می فرماید:

«وَ الْجارِ ذی القُرْبی و الجارِ الجُنُبِ»

«و همسایه نزدیک و همسایه دور را مورد احسان خویش قرار ده.»

در تفسیر «دور» و «نزدیک» در آیه بالا، چند احتمال داده شده است، ولی به نظر می رسد منظور همان دوری و نزدیکی مکانی باشد. از آن جا که کلمه همسایه، در عرف عامیانه مفهوم محدودی دارد و تنها همسایگان نزدیک را در بر می گیرد، شاید برای توجه دادن به وسعت مفهوم آن از نظر اسلام، راهی جز این نبوده است که نامی از همسایگان دور نیز به صراحت برده شود.

این بیان هنگامی تقویت می شود که نظر اسلام را درباره حد همسایگی بدانیم. شخصی می گوید از امام صادق «علیه السلام» پرسیدم: فدایت شوم، حد همسایگی تا کجاست؟ فرمود: «اَرْبَعین دارا مِن کُلِّ جانب»؛ «چهل خانه از هر طرف.»

متأسفانه در دنیای ماشینی امروز روابط عاطفی و انسانی مردم با یکدیگر چنان رو به ضعف گراییده که همسایگان نزدیک نیز کوچک ترین خبری از حال همدیگر ندارند و حتی گاهی پس از چندین سال سکونت در یک محل، هنوز نام یکدیگر را نمی دانند. این رویه، از نظر اسلام به شدت نکوهش شده و سفارش اولیای بزرگوار اسلام در این باره، موجب شگفتی است. علی «علیه السلام» در آخرین وصیت خود چنین می فرماید:

«اللّه اللّه فی جیرانِکُم فَإنَّهُم وَصِیَّةُ نَبِیِّکُم، مازالَ یُوصی بِهم حَتّی ظَنَنّا أنَّهُ سَیُورِّثُهُم»

«از خدا بترسید! از خدا بترسید! درباره همسایگان که همواره مورد سفارش پیامبرتان بوده اند. [آن حضرت] به قدری درباره آنان سفارش می کرد که گمان می بردیم، برای ایشان میراثی قرار خواهد داد.»

پیامبر اسلام شیوه رفتار همسایگان با یکدیگر را در تأمین سعادت و آسایش انسان ها مؤثر می دانست و به یارانش سفارش می کرد در جایی مسکن گزینند که بتوانند از نعمت وجود همسایگان شایسته تری بهره مند شوند. وقتی یکی از اصحاب از ایشان پرسید: ای رسول خدا! تصمیم دارم خانه ای بخرم، به نظر شما کدام محله را انتخاب کنم؟ حضرت بدون آنکه محله خاصی را به او پیشنهاد کند، فرمود: «اَلْجارُ ثُمَّ الدّارُ، الرَّفیقُ ثُمَّ السَّفَرُ.»

«اول همسایه را بنگر سپس خانه بخر، ابتدا رفیق انتخاب کن، سپس سفر نما.»

آداب همسایه داری

آداب و حقوقی که اسلام برای همسایگان در نظر گرفته، فراوان است. روزی رسول خدا «صلی الله علیه و آله» از یاران خود پرسید: آیا می دانید حق همسایه چیست؟ حاضران پاسخ منفی دادند. آن حضرت فرمود:

«حق همسایه آن است که اگر برای کرایه از شما درخواست کمک کرد، به او کمک کنید. اگر وام خواست، به او بپردازید، هرگاه تهی دست شد، از او دست گیری کنید، چنانچه خیری به او رسید، به او تبریک بگویید. هنگام بیماری، به عیادتش بروید. در مصیبت ها به او تسلیت بگویید. اگر مُرد، در تشییع جنازه اش حاضر شوید. بر ارتفاع خانه خود بدون موافقت او نیفزایید تا مانع وزش نسیم و جریان هوا نشود. هرگاه میوه ای خریدید، مقداری به او هدیه کنید و اگر مایل به این کار نبودید، آن را مخفیانه به منزل ببرید و دقت کنید که فرزندتان آن را از خانه بیرون نبرد که فرزند او ببیند و به خاطر آن بهانه گیری کند. با بوی غذای مطبوع خود، او را میازارید، مگر آنکه مقداری برایش بفرستید.»

گرامی داشتن و احترام همسایه نیز از سفارش های مهم اسلام است. رسول خدا «صلی الله علیه و آله» در این باره می فرماید:

«حُرْمَةُ الجارِ عَلَی الانسانِ کَحُرمَةِ اُمَّهِ.»

«احترام همسایه، مانند احترام مادر، بر انسان لازم است.»

صبوری و رازداری با همسایگان

اگر افراد یک محل به مدت طولانی با یکدیگر همسایه باشند، کم کم بر اسرار زندگی همدیگر آگاه خواهند شد. از آن جا که آشکار ساختن اسرار زندگی مردم و فاش کردن عیب های آنان بسیار نکوهیده است، مؤمن نباید در کار دیگران کنجکاوی کند و به دنبال عیب جویی باشد. اگر هم بر حسب اتفاق بر رازی آگاه شد، باید آن را مخفی دارد و مصداق این مثل که: «خدا می بیند و می پوشد، همسایه ندیده می خروشد» نباشد. از این رو، امام سجاد «علیه السلام» یکی از حقوق همسایگان را بر یکدیگر، رازداری معرفی می کند و می فرماید:

«فَإنْ عَلِمْتَ عَلَیْهِ سُوءً سَتَرْتَهُ عَلَیْهِ»

«چنانچه بر عیب همسایه ات آگاه شدی، باید آن را مخفی داری.»

از سوی دیگر تضاد و مزاحمت، از پیامدهای زندگی اجتماعی است و وقتی گروهی با هم در یک محیط زندگی می کنند، ممکن است کم توجهی و عمل نکردن بعضی افراد به آداب اسلامی، آسایش را از دیگران بگیرد و آنان را بیازارد و این خود، زمینه ساز کدورت ها و درگیری های بعدی شود. در این صورت شایسته است طرفی که مورد کم لطفی همسایه خود واقع شده است، تا می تواند آزار همسایه را برای رضای خدا تحمل کند و چنانچه ناچار به نشان دادن واکنش شد، با رویی گشاده و زبانی نرم به وی گوشزد کند؛ به گونه ای که این تذکر به اصلاح وی کمک کند و رنجش خاطر او را موجب نشود. امام کاظم «علیه السلام» می فرماید:

«لَیْسَ حَسْنُ الجَوارِ کَفَّ الاذی ولکِنَّ حُسْنَ الجَوارِ الصَّبْرُ عَلی الاذی»

«همسایه داری نیکو، به آزار نرساندن نیست، بلکه همسایه داری نیکو، در صبر بر آزار همسایه است.»

آثار مثبت رعایت حقوق همسایگی

رفتار نیک همسایگان با یکدیگر، می تواند سرچشمه برکت های فراوانی باشد. تقویت روحیه همکاری و همفکری به منظور پاکیزه و آباد نگه داشتن محیط زندگی، یکی از آن هاست که خود، آرامش روانی و طول عمر انسان را در پی دارد. امام صادق «علیه السلام» در این باره می فرماید:

«حُسْنُ الجَوارِ یُعَمِّرُ الدِّیارَ و یزیدُ فی الأعمارِ»

«همسایه داری نیکو، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می کند.»

در جای دیگر این امام همام، خوش رفتاری با همسایه را موجب زیاد شدن روزی معرفی می کند و می فرماید: «همسایه داری نیکو، روزی را زیاد می کند.»

آمرزش گناهان نیز پاداش خداوند به کسانی است که همسایه ها از آنان راضی باشند. پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود:

«مَن ماتَ وَ لَهُ جیرانٌ ثلاثَةٌ کُلُّهُمْ راضُونَ عَنهُ غُفِرَ لَهُ.»

«هر کس بمیرد، در حالی که سه همسایه داشته باشد و همگی از او راضی باشند، آمرزیده می شود.»

نتیجه بی تفاوتی نسبت به همسایگان

بی خبری از حال همسایگان و بی توجهی به حقوق آنان، از اموری است که در اسلام نکوهش و از آن به زشتی یاد شده است. پیامبر بزرگوار اسلام، کسی را که خود، سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد، مؤمن نمی داند.

«ما آمَنَ بی مَنْ باتَ شَبْعانَ و جارُهُ جائِعٌ»

«به من ایمان نیاورده است، کسی که با شکم سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه باشد.»

همچنین، از امام صادق «علیه السلام» نقل است:

«پس از جدایی حضرت یعقوب از فرزندش یوسف، فرزند دیگرش بنیامین نیز از وی جدا شد. این پیامبر بزرگ، روزی در حال مناجات به درگاه خداوند عرض کرد: خدایا! دوری از یوسف و نابینایی، مرا کم بود که بنیامین را نیز از من گرفتی! به او وحی شد: ای یعقوب! من اگر فرزندانت را میرانده باشم، برایت زنده می کنم و به تو بر می گردانم، ولی آیا به یاد داری که در فلان روز، گوسفندی کشتی و آن را کباب کردی و با اهلت خوردی و به فلانی و فلانی که همسایه تو و روزه دار بودند، چیزی ندادی؟»

این حکایت، می آموزد که این بلا به سبب بی توجهی حضرت یعقوب «علیه السلام» به آن همسایه است.

ای که بر مرکب رهوار سواری، هشدار!

خر هیزم کش همسایه تپیده به گلِ است

آتش از خانه همسایه درویش مخواه

کانچه برروزن او می گذرد، دودِ دل است

آزار به همسایگان

آزار دیگران، با فطرت آدمی ناسازگار است و هیچ عقل سلیمی آن را نمی پسندد. وقتی خداوند، بی توجهی به حال همسایگان را منشاء کم لطفی می شمارد، آزار رسانی به آنها، حتما پیامدهای سنگین تری را در پی می آورد.

به رسول خدا «صلی الله علیه و آله» عرض شد: فلان زن، روزها روزه می گیرد و شب ها به نماز می ایستد و صدقه می دهد، ولی همسایه خود را نیز با زبانش می آزارد. حضرت فرمود: «لا خَیْرَ فیها، هِیَ مِن أهْلِ النّارِ»؛ «خیری در او نیست، او اهل آتش است.»

اسلام پیروان خود را از همسایه آزاری باز داشته و هیچ ارج و حرمتی برای فرد همسایه آزار قائل نشده و دستور داده است با وی برخورد جدی کنید و او را به اشتباه خویش آگاه سازید. امام باقر «علیه السلام» درباره متوجه کردن همسایه به عمل نادرست خود، در حدیثی چنین می فرماید:

«شخصی از آزار همسایه اش نزد رسول خدا «صلی الله علیه و آله» شکایت کرد. حضرت او را به صبر فرا خواند. بار دیگر نیز به شکایت آمد، حضرت باز هم او را به خویشتن داری دعوت کرد. بار سوم آمد و شکایت خود را تکرار کرد، پیامبر فرمود: چون روز جمعه شود، زمانی که مردم برای نماز جمعه می روند، اثاثیه ات را از منزل خارج کن و بر سر راه مردم قرار ده. چون از تو علت این کار را جویا شدند، ماجرای خود را برای آنان بازگو کن. آن شخص به دستور پیامبر عمل کرد. چون ساعتی گذشت، همسایه ای که آزارش می داد، سراسیمه نزد او آمد و از او خواست اثاثیه اش را به منزل باز گرداند و گفت: با خداوند عهد می کنم که دیگر تو را نیازارم.»

همسایگان را دریابیم

وجود همسایه خوب، برای آدمی نعمتی ارزشمند و همسایه خوب بودن، مایه محبت و دوستی است. دل ها همواره متوجه جایی می شود که نیکی و مهربانی در آن حاکم باشد و هر جا که شهد خیر باشد، افراد گرد هم می آیند. نقش رفتار نیک در همسایگی، در ایجاد تجمع های پر شکوه و الفت های اجتماعی، فراوان است. حضرت علی «علیه السلام» می فرماید: «مَنْ حَسُنَ جِوارُهُ کَثُرَ جیرانُهُ»؛ «آن که همسایگی اش نیکو باشد، همسایگانش روزافزون می شود.»

ایشان در حدیثی دیگر می فرماید: «حُسْنُ الجوار یُعَمِّرُ الدّیارَ و یَزیدُ فی الأعمار»؛ «خوش همسایگی، هم شهرها را آباد و هم عمرها را زیاد می کند.

امام صادق «علیه السلام» نیز در سخنی فرمود: «بر شما باد نماز خواندن در مسجدها و همسایگی خوب با مردم».

گاهی تحمل سختی ها و ناسازگاری های همسایگان، برای حُسن هم جواری لازم است. اگر بخواهیم روابطمان از هم نگسلد، باید صبور بود و تحمل کرد و بدی را با بدی پاسخ نداد.

رفت و آمد، رسیدگی، احوالپرسی، یاری، عیادت، انفاق و صدقه، رفع نیاز و همدردی، از جمله وظایفی است که بر عهده همسایه و نشانه جوانمردی و انسان دوستی است. حضرت علی «علیه السلام» می فرماید: «مِنَ المُروّةِ تَعَهُّدُ الجیرانِ»؛ «رسیدگی به همسایگان، جوانمردی است».

همچنین حضرت امام باقر «علیه السلام» یکی از ویژگی های مهم شیعه را، رعایت حق همسایگی می داند و می فرماید:

«و التعاهُدُ لِلجیرانِ مِنَ الفُقراءِ وَ اَهلِ المَسکَنَةِ وَ الغارِمینَ و الأیتام.»

«از نشانه های پیروان ما، رسیدگی به همسایگان نیازمند و تهی دست و بدهکاران و یتیمان است.»

انسان شرافتمند و با وجدان چگونه می تواند آسوده خاطر و با شکم سیر بخوابد، در حالی که در همسایگی او محروم و گرسنه و نیازمند باشد و با آنکه او می تواند گرهی را از آنان بگشاید، کوتاهی کند!؟ چگونه می تواند این سخن پیامبر را از یاد ببرد که:

«مَا آمَنَ بی مَنْ باتَ شَبعانا وَ جارُهُ المُسلمُ جائعٌ».

«هر کس سیر بخوابد، در حالی که همسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است!»

اگر این حق و حریم اسلامی، مسئولانه شناخته و رعایت شود، در جامعه اسلامی نیازمند و گرفتاری که صورت خود را با سیلی سرخ نگه دارد، پیدا نخواهد شد.

پی نوشت ها:

1. سوره نساء (4) آیه 36.

2. تفسیر نمونه، ج 3، ص 308.

3. بحارالانوار، ج 74، ص 157.

4. نهج البلاغه، نامه 47.

5. مستدرک الوسائل، ج 8، ص 429.

6. بحارالانوار، ج 82، ص 93.

7. همان، ج 76، ص 154.

8. همان، ج 74، ص 7.

9. همان، ج 78، ص 320.

10. اصول کافی، ج 2، ص 667.

11. بحارالانوار، ج 74، ص 153.

12. مستدرک الوسائل، ج 8، ص 422.

13. اصول کافی، ج 2، ص 668.

14. مستدرک الوسائل، ج 8، ص 429.

15. بحارالانوار، ج 74، ص 153.

16. اصول کافی، ج 2، ص 668.

17. غرر الحکم و درر الکلم، ج 7، ص 49.

18. اصول کافی، ج 1، ص 667.

19. همان، ج 2، ص 635.

20. غرر الحکم و درر الکلم، ج 7، ص 49.

21. اصول کافی، ج 2، ص 74.

22. سفینة البحار، ج 1، ص 192.